

رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان (مطالعه درباره شهرهای آمل، ساری و چالوس استان مازندران)

محسن دهقان،* علی رحمانی فیروزجاه،** علی اصغر عباسی اسفجیر***

چکیده

این مقاله درصدد بررسی ارتباط ادراک فساد با اعتماد اجتماعی در میان شهروندان بالای ۳۰ سال شهرهای آمل، ساری و چالوس استان مازندران است. در متغیر ادراک فساد از نظریه‌های هوجس، ترایسمن و هایدن هایمر و در متغیر سرمایه اجتماعی از رویکرد نظری نهاد محور و به طور اخص از نظریه‌های بوروئستاین و استول استفاده گردیده است. داده‌های موردنیاز با استفاده از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه از میان نمونه آماری ۴۰۰ نفری جمع‌آوری شده‌اند. تحلیل اطلاعات تحقیق از طریق دو نرم‌افزار اسپاس و آموس انجام پذیرفت. یافته‌های توصیفی نشان داد که میزان سازه ادراک فساد و تمامی ابعادش (فساد خرد، فساد کلان، فساد سیستمی و فساد بین‌المللی) در سطح بالایی و میزان سازه اعتماد اجتماعی و تمامی ابعادش (بین فردی، تعمیم‌یافته، نهادی و محیطی) در سطح پایینی قرار دارند. یافته‌های تبیینی نشان داد که ادراک فساد و تمامی ابعادش، رابطه معکوس و قوی با اعتماد اجتماعی دارند که قوی‌ترین روابط به ترتیب مربوط به ابعاد ادراک فساد سیستمی، فساد کلان، فساد خرد و فساد بین‌المللی بوده است. نتایج حاکی است که هرچه میزان ادراک فساد در همه ابعادش افزایش و گسترش یابد، باعث افول و کاهش میزان اعتماد اجتماعی در ابعاد مختلف آن می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ادراک فساد، اعتماد اجتماعی، فساد خرد، فساد کلان، فساد سیستمی، فساد بین‌المللی.

deghansociology@gmail.com

* دانشجوی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)

arf1348@gmail.com

asfajir@hotmail.com

*** دانشیار گروه جامعه‌شناسی، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۰

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸، صص ۱۳۱-۱۵۶

۱. مقدمه و بیان مسئله

فساد و اعتماد اجتماعی بر مبنای دو دیدگاه و نگاه متفاوت از طبیعت و انسان استوار هستند. اعتماد اجتماعی مبتنی بر رویکرد تعاملی و خوش‌بینانه از جهان و فساد مبتنی بر رویکرد تقابلی و بدبینانه از جهان است. بنابراین این دو مقوله کاملاً در تضاد با یکدیگر قرار دارند (برنسکو، ۲۰۰۳: ۳۱). فساد یکی از قدیمی‌ترین معضلات اجتماعی است، اما تقریباً از حدود نیم قرن پیش بود که به منزله دغدغه‌ای بین‌المللی در کانون توجه قرار گرفت و رئیس بانک جهانی در سال ۱۹۶۶ از این پدیده با عنوان «سرطان فساد» یاد کرد (توکلی، ۱۳۹۵: ۱۰). به تعبیر ایشان، فساد چون غده‌ای سرطانی بر پیکر جامعه است که تا درمان ریشه‌ای نگردد، با رشد سریع خود در مدت زمانی اندک تمام جامعه را دربر گرفته و مقدمات فروپاشی و اضمحلال آن را فراهم می‌آورد (احمدی، همایونی و عسگری ده‌آبادی، ۱۳۹۴: ۱۶). فساد گسترده، به‌ویژه در میان مقامات عالی‌رتبه تهدیدی برای دموکراسی و حکومت قانون محسوب می‌شود. چنین فسادی پاسخگو بودن در موارد مالی را متزلزل کرده، مانع سرمایه‌گذاری خارجی شده و از رشد و توسعه اقتصادی جلوگیری می‌کند. فساد گسترده باعث حیف و میل منابع شده و باعث کاهش اقدامات پراهمیتی مانند مبارزه با فقر، توزیع عادلانه درآمد، هزینه‌های عمرانی و زیرساختی، رشد اقتصادی و ... می‌شود. در بسیاری از مواقع میزان احساس و ادراک یک پدیده از میزان واقعی خود آن پدیده مهم‌تر است. مانند مقوله رفاه که در بسیاری از مواقع احساس رفاه و یا رفاه ذهنی از خود رفاه و یا رفاه عینی مهم‌تر است، ادراک فساد نیز از همین مقوله است، برخی محققان مانند ترايسمن (۲۰۰۷) و هایدن هایمر (۲۰۰۵) معتقدند تأثیرات مخرب ادراک فساد توسط مردم یک جامعه حتی از خود مقوله فساد نیز بیشتر است، چون باعث تولید فضای عدم اطمینان، سوء ظن، بدگمانی و پیش‌بینی ناپذیری در اقتصاد و جامعه خواهد شد و به کاهش حجم سرمایه‌گذاری‌ها، رکود اقتصادی، کاهش همبستگی و انسجام اجتماعی، افت اعتماد به نظام قانونی و حقوقی و به‌طور کلی افول ابعاد و مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی منجر خواهد شد (لافری و موريس، ۲۰۰۴: ۲۰۱).

اعتماد شالوده زندگی اجتماعی محسوب می‌گردد و اولین و مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است که به نوع ارتباط بین افراد مربوط می‌شود. تأکید بر اعتماد در مقایسه با دیگر انواع ارتباط، در ادبیات سرمایه اجتماعی نقش برجسته‌ای دارد (موسوی، ۱۳۸۵: ۷۵). اعتماد اجتماعی را می‌توان حسن ظن فرد به سایر اعضا و ارکان جامعه تعریف کرد که این امر موجب گسترش و تسهیل روابط اجتماعی فرد با آن‌ها می‌گردد (امیر کافی، ۱۳۸۰: ۱۰). به عبارت

دیگر اعتماد، شاخصی از سرمایه اجتماعی است که تبادل اجتماعی را در شرایط عدم اطمینان و ریسک، تسهیل می‌سازد (کوک^۱، ۲۰۰۱، به نقل از زارع شاه‌آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱: ۴۸). اعتماد از گذشته‌های دور در جوامع انسانی نقش ایفا کرده است، اما در دوران کنونی بر نقش و اهمیت آن افزوده شده است. در جوامع گذشته یا سنتی، اعتماد بین شخصی بیشتری در بین مردم وجود داشته است. در آن جوامع احتمالاً نیازی به ابعاد گسترده‌تر اعتماد نبوده است، زیرا مردم بیشتر با کسانی ارتباط داشتند که به نوعی با آنها آشنا بوده‌اند و روابط چهره به چهره داشته‌اند. جامعه‌ای که از موهبت اعتماد اجتماعی برخوردار باشد نظم، هماهنگی و همبستگی بیشتری خواهد داشت (دورکیم و تونیس، ۱۹۶۷، به نقل از چلبی، ۱۳۸۴: ۲۵)، از نظر اقتصادی کارآمدتر خواهد بود (فوکویاما^۲، ۲۰۰۱: ۴۲)، دموکراسی بهتر در آن جریان خواهد داشت (پاکستون، ۲۰۰۷: ۱۲۴) و افراد آن جامعه از سلامت بیشتری برخوردار خواهند بود (فرلاندر^۳، ۲۰۰۷: ۸۳). از دلایل افزایش اهمیت اعتماد اجتماعی در جوامع امروزی می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

نخست، مردم با گسترش زندگی شهرنشینی و همچنین گسترش فزاینده ارتباطات، با افراد بیشتری روبه‌رو می‌شوند که هیچ‌گونه آشنایی قبلی با آنها ندارند. در جوامع امروزی که بیشتر مختصات جوامع گزله‌شافت را دارند و همبستگی آنها بیشتر از نوع همبستگی ارگانیکی است، به جز اعتماد بین شخصی، به انواع دیگری از اعتماد نیاز است که فراتر از اعتماد بین شخصی باشد. بدین ترتیب تغییرات گسترده‌تر در شیوه سامان‌دهی اجتماعی (تقسیم کار گسترده و بیش‌ازحد تخصصی‌شدن) موجب این نیاز شده است که به پدیده‌ها بیش از افراد انسانی اعتماد شود. یعنی این نیاز به وجود آمده است که به مشاغل حرفه‌ای و سازمان‌هایی مانند سیاستمداران، بازاریان، معلمان، پزشکان، بانک، دادگستری، نیروی انتظامی، شهرداری و ... نیز اعتماد شود.

طبق تعریف بانک جهانی فساد به هرگونه سوءاستفاده از قدرت عمومی در جهت منافع خصوصی و شخصی گویند (دادخدایی، ۱۳۹۰: ۲۹) و طبق تعریف سازمان شفافیت بین‌الملل^۴، ادراک فساد به ارزیابی و تصور مردم یک جامعه از میزان و نوع فساد جاری موجود در آن اطلاق می‌گردد (گبهارتدت، ۲۰۰۳: ۱۷-۱۶). متأسفانه در کشور ما نیز تحولات سال‌های اخیر همچون اخبار متعدد مربوط به اختلاس‌های کلان توسط مسئولان، شیوع پارتی‌بازی،

1. Cook
2. Fukuyama
3. Ferlander
4. Transparency International Corporation

خویشاوندسالاری و پدیده آفازادگی، توزیع رانت از بخش دولتی به بخش خصوصی، روند امضاهای طلایی و موارد متعدد مربوط به رشوه، احتکار و فرار مالیاتی منجر به افزایش شاخص ادراک فساد گردیده است و براساس گزارش‌های رسمی که توسط سازمان شفافیت بین‌الملل هر ساله منتشر می‌شود در رتبه‌بندی شاخص ادراک فساد، جزء فاسدترین جوامع دنیا طبقه‌بندی شده و در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۹ به ترتیب رتبه‌های ۱۴۴، ۱۳۶، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۰، ۱۳۸ و ۱۴۶ را از میان حدود ۱۷۰ تا ۱۸۰ کشور کسب کرده است که رتبه‌های خوبی در مقیاس جهانی محسوب نمی‌گردد.

استان مازندران به‌عنوان قطب توریستی و کشاورزی کشور، رتبه هفتم را در تولید ناخالص داخلی و نزدیک‌ترین مسافت را با پایتخت کشور دارد و یکی از مهاجرپذیرترین و پرجمعیت‌ترین مناطق ایران از لحاظ تراکم جمعیتی محسوب می‌گردد. این استان به‌ویژه در سال‌های اخیر تحت تأثیر سوداگری زمین و ویلا، کاملاً از اقتصاد تولیدی مبتنی بر کشاورزی و دامداری به سمت اقتصاد دلالی و واسطه‌گری مبتنی بر مشاور املاک تغییر جهت پیدا کرده و متأسفانه در یک دهه اخیر شاهد مصادیق گوناگون فساد از جمله زمین‌خواری، دورزدن قانون تغییر کاربری اراضی، عدم صداقت در معامله، جعل سند، لابی‌گری، پارتی‌بازی، آفازادگی، پرداخت رشوه و ... بوده است. در حوزه اعتماد اجتماعی، متأسفانه در تحقیقات داخلی بررسی ارتباط متغیرهای نهادی و ساختاری به‌ویژه مقوله فساد با اعتماد اجتماعی، از یک فقر نظری برخوردار است، که این پژوهش سعی در برطرف کردن این خلأ تحقیقاتی دارد.

بنابراین این مقاله در پی پاسخ به این پرسش است که «ادراک فساد» و ابعاد آن (فساد فردی خرد، فساد فردی کلان، فساد سیستمی و فساد بین‌المللی) چه ارتباطی با «اعتماد اجتماعی» در بین شهروندان ساکن در شهرهای آمل، ساری و چالوس در استان مازندران دارد.

۲. پیشینه تجربی

منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) تحقیقی با عنوان «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهادمحور یا جامعه‌محور؟ (مطالعه موردی: شهر سبزوار)» ارائه دادند. آن‌ها با استفاده از روش پیمایش نمونه‌ای ۶۰۰ نفری از افراد ۱۸ تا ۶۵ ساله شهر سبزوار را انتخاب کردند و به این نتیجه رسیدند که متغیرهای نهادمحوری مانند ادراک فساد، تجربه تبعیض، احساس امنیت اجتماعی و اعتماد نهادی ارتباط بسیار قوی‌تری با اعتماد اجتماعی، چه اعتماد رقیق و چه اعتماد غلیظ، دارند. در آزمون رگرسیون گام به گام فقط سه متغیر نهادی ادراک فساد، امنیت و اعتماد نهادی به همراه یک متغیر زمینه‌ای یعنی سن در معادله باقی ماندند و در مجموع توانستند ۵۳/۱ درصد از واریانس اعتماد اجتماعی رقیق را تبیین کنند. متغیر ادراک فساد یکی

از مهم‌ترین متغیرهای نهادی بود که هم با اعتماد اجتماعی غلیظ و هم با اعتماد اجتماعی رقیق ارتباط قوی و معناداری داشت.

شارع‌پور و دیگران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان «مطالعه بین کشوری اعتماد: جامعه‌محوری در مقابل نهادمحوری» با استفاده از روش کیفی (تحلیل اسنادی) و تکنیک‌های تحلیل خوشه‌ای و تحلیل رگرسیون تلاش کردند دو نوع رویکرد جامعه‌محوری و نهادگرایی را در مورد دو نوع اعتماد نهادی و اعتماد فراگیر با یکدیگر مقایسه کنند. رویکرد جامعه‌محور، اعتماد اجتماعی را بر مبنای چگالی زندگی انجمنی و متغیرهایی مانند عضویت در نهادهای مدنی، شبکه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت در گروه‌های رسمی، مشارکت در گروه‌های غیررسمی و ... تبیین می‌کند و رویکرد نهادمحور، اعتماد اجتماعی را بر مبنای کیفیت نهادها و دموکراسی و متغیرهایی مانند فساد و رشوه‌خواری نهادها، عدالت نهادی، کارآمدی نهادی، حکمرانی خوب، آزادی‌های مدنی، حقوقی- سیاسی و ... تبیین می‌کند. نتایج تحقیق آنان نشان داد که رویکرد نهادگرایان قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری در مقایسه با رویکرد جامعه‌محورها دارد. در بین شاخص‌های رویکرد نهادگرایی، نقش شاخص کیفیت نهادی از دموکراسی نیز در تبیین اعتماد قوی‌تر بود و یکی از مهم‌ترین مقولات کیفیت نهادی، میزان ادراک فساد مردم از نهادهای جامعه تشخیص داده شد.

خسروآبادی و همکاران (۱۳۹۴) تحقیقی با عنوان «پیش‌بینی بی‌اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابرسی» با استفاده از روش پیمایش ارائه دادند. نمونه تحقیق شامل حسابرسان شاغل در بخش دولتی و خصوصی بود که با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی، ۳۲۰ نفر انتخاب شدند. یافته‌های این پژوهش، مشخص ساخت ارتباط معکوس و قوی بین فساد مالی و اعتماد اجتماعی وجود دارد. نتایج این تحقیق تأیید می‌نماید که توسعه اخلاق در حرفه حسابرسی مستلزم بهبود ارزش‌های اجتماعی از جمله اعتماد اجتماعی است.

نرگسیان و دیگران (۱۳۹۷) ارتباط «فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان» را بررسی نمودند. جامعه آماری تحقیق شهروندان منطقه ۸ تهران است که با استفاده از تکنیک نمونه‌گیری خوشه‌ای، ۴۰۳ نفر انتخاب و بررسی شدند. یافته‌ها نشان داد که ادراک فساد بر اعتماد و رضایت شهروندی و همچنین ادراک شفافیت بر ادراک فساد تأثیر معکوس دارد و ادراک شفافیت بر اعتماد و رضایت شهروندی و همچنین اعتماد بر رضایت شهروندی تأثیر مستقیم دارد.

فاضلی و جلیلی (۱۳۹۷) «رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی» را بررسی نمودند. برای آزمون فرضیات از سه دسته داده استفاده شده است. داده‌های فساد از سه منبع بدست آمد. ۴۳ کشور با استفاده از روش مقایسه بین کشوری و تحلیل مسیر

مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌ها نشان داد که کارایی حکومت بر سطح فساد و سطح فساد بر هر دو بعد اعتماد اجتماعی (تعمیم یافته) و اعتماد نهادی تأثیر معکوس دارد.

موریس و کلسنر (۲۰۱۰) پژوهشی با عنوان «فساد و اعتماد: سنجش نظری و تجربی از مکزیک» ارائه دادند. آن‌ها از داده‌های اعتماد سیاسی پیمایش آمریکن بارومتر^۱ و ادراک فساد، تجربه فساد، اعتماد نهادی و اعتماد بین فردی پیمایش ملی مکزیک استفاده کرده‌اند. نتایج پژوهش آنان مشخص ساخت که ادراک فساد و تجربه فساد تأثیر معناداری بر اعتماد بین فردی ندارند ولی نوعی علیت متقابل قوی بین تجربه فساد و به‌ویژه ادراک فساد با اعتماد نهادی به‌ویژه اعتماد به نهادهای سیاسی وجود دارد. آن‌ها در این تحقیق به این نتیجه رسیدند که علیت متقابل بین ادراک فساد و افول اعتماد نهادی، شرایط و بستر مساعدی برای کنش فاسد و دور باطلی را بین ادراک فساد، کاهش اعتماد و تداوم فساد ایجاد می‌کند. به عبارت دیگر ادراک فساد، کاهش اعتماد را تقویت می‌کند و کاهش اعتماد، تلاش حکومت در بسیج جامعه برای مبارزه با فساد را بی‌اثر و شعار مبارزه با فساد را بی‌اعتبار می‌سازد که از این چرخه و دور باطل به‌عنوان دام فساد یاد می‌شود.

ریچی (۲۰۱۰) با استفاده از داده‌های مطالعات پانل ملی آمریکا، «تأثیر فساد بر روی اعتماد اجتماعی» را بررسی نمود و دریافت که افزایش فساد دولتی و زندگی در جوامع فاسدتر، باعث کاهش هر دو بعد اعتماد بین فردی و تعمیم‌یافته می‌گردد. همچنین چانگ^۲ و چو^۳ (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان «فساد و اعتماد: در استثنای دموکراسی‌های آسیایی» به نتایج مشابهی رسیدند و معتقد بودند ادراک فساد تأثیر مخرب و معکوسی بر هر دو بعد اعتماد بین فردی و تعمیم‌یافته می‌گذارد.

گراجزل و دیگران (۲۰۱۲) تحقیقی با عنوان «اعتماد، ادراک فساد و تقاضای تنظیم: شواهدی از کشورهای پساسوسیالیست» ارائه دادند. آن‌ها با بررسی دو پدیده «شکست بازار» و «شکست دولت» به این نتیجه رسیدند، آن‌چه که باعث «شکست بازار» شده، بی‌اعتمادی و آن‌چه که منجر به «شکست دولت» گردیده، ادراک فساد بالا بوده است. یافته‌های این تحقیق مشخص ساخت که متغیر اعتماد بر تقاضای تنظیم تأثیر معکوس می‌گذارد و متغیر ادراک فساد بر تقاضای تنظیم تأثیر مثبت و بر سطح اعتماد، تأثیر منفی می‌گذارد.

1. American Barometer (AB) [Http://www.randerbilt.edu/lapop/about-americanbarometer.php](http://www.randerbilt.edu/lapop/about-americanbarometer.php).

2. Chang

3. Chu

اوله و ناوارو^۱ (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان «دیگر اعتماد نکنیم؟ اثر پایدار رسوایی فساد» ارائه دادند. آن‌ها اطلاعات خود را با استفاده از روش پیمایش بر مبنای فساد که در اسپانیا و در بازه زمانی ۱۹۹۹-۲۰۰۹ رخ داد و همچنین سطح اعتماد به سیاستمداران محلی به دست آوردند. یافته‌های این تحقیق مشخص ساخت که میزان فساد واقعی بر هر دو متغیر ادراک فساد و اعتماد به سیاستمداران محلی تأثیر دارد. به طوری که با افزایش رسوایی فساد، ادراک فساد افزایش می‌یابد و ادراک فساد بالا منجر به افول و کاهش اعتماد اجتماعی می‌گردد.

نانکو و دیگران (۲۰۱۸) تحقیقی با عنوان «اعتماد عمومی در برنامه نهادی رویدادهای بزرگ: نقش اطلاعات، شفافیت و فساد» ارائه دادند. داده‌های این تحقیق از ۳۷۸۶ برزیلی در زمینه بازی‌های جام جهانی ۲۰۱۴ فوتبال جمع‌آوری شد. یافته‌ها بر مبنای روش مدل‌سازی معادلات ساختاری، مشخص ساخت که ادراک فساد به شکل منفی و شفافیت و اطلاعات عمومی به شکل مثبت بر سطح اعتماد به هیئت‌های سازمان‌دهی محلی و به‌ویژه بر سطح اعتماد به حکومت به‌عنوان متغیر وابسته نهایی تأثیر معناداری می‌گذارد.

مرور پیشینه پژوهش‌های صورت‌گرفته در مورد اعتماد اجتماعی نشان‌دهنده نوعی شکاف میان مطالعات داخلی و خارجی است. مطالعات و تحقیقات داخلی بیشتر مبتنی بر رویکرد جامعه‌محوری بوده و بر متغیرهایی همچون عضویت در انجمن‌های مدنی، سمن‌ها، شبکه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت در گروه‌های رسمی، مشارکت در گروه‌های غیررسمی و ... تأکید دارد. در حالی که پژوهش‌های خارجی جدید بر رویکرد نهادمحوری مبتنی است و بر متغیرهایی همچون کارآمدی نهادها، حکمرانی خوب، وجود فساد، اختلاس، رشوه‌خواری، عدالت نهادی و احساس ناامنی تأکید دارد. لذا بررسی عوامل نهادی مؤثر بر روی اعتماد اجتماعی از کمبودی جدی در ادبیات تجربی داخلی رنج می‌برد. یکی از مهم‌ترین عوامل نهادی مؤثر، مقوله فساد هست که به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه کیفیت نهادی توسط نظریه‌پردازان نهادگرایی همچون بوروئستاین و استول شناخته می‌شود. ولی متأسفانه، علی‌رغم اهمیت این موضوع چه به‌لحاظ نظری و چه به‌لحاظ گستردگی و رواجش در سطح افکار عمومی، پژوهش‌های داخلی کمی در زمینه ارتباط و تأثیر این مقوله بر روی اعتماد اجتماعی صورت گرفته است که تحقیق حاضر تلاشی برای جبران این کاستی است و از این منظر مقوله‌ای نو و جدید برای تحقیق در جامعه ایران محسوب می‌گردد. در مجموع تحقیقاتی که ارتباط این دو متغیر و تأثیر متغیرهای نهادمحور به‌ویژه ادراک فساد بر روی اعتماد اجتماعی را بررسی کردند؛ ارتباط و تأثیر بسیار قوی و معناداری را نتیجه‌گیری کردند.

۳. چهارچوب نظری

متغیر ادراک فساد در این پژوهش برگرفته از نظریات برنادوس هوجس^۱، هایدن هایمر و دنیل ترايسمن است. رویکرد برنادوس هوجس، تلفیق و ترکیبی از عوامل محیطی، ساختاری و کلان با ویژگی‌ها و عوامل فردی، شخصی و ادراکی است. او در تحلیل عوامل ساختاری، چهار رویکرد نوع آرمانی وبری (بوروکراسی سازمان نیافته)، رویکرد کارکردگرا (منافع کسب شده از فساد)، رویکرد اقتصاد نهادی (انگیزه‌های فردی، کاربردی بودن، نفع شخصی و عوامل سازمانی مربوطه) و رویکرد بوم‌شناسی (محیط، جامعه، اقتصاد و سیاست) را با یکدیگر تلفیق می‌کند (دوگراف و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۰-۳۰۹).

هوجس در تحلیل عوامل فردی و شخصی به تجربه‌های شخصی، احساس ناامنی، هویت شخصی، دو سویگی اخلاقی و ادراک فساد می‌پردازد (همان: ۳۰۹). در میان این عوامل بیشترین تأکید را بر مقوله ادراک فساد دارد و معتقد است ادراک فساد بالا منجر به آن خواهد شد که مردم روابط اجتماعی را به‌عنوان مبادله‌های سودمندانه تبیض‌آمیز تفسیر کنند که در طی آن عام‌گرایی جای خود را به خاص‌گرایی می‌دهد و اهداف عامی همچون قانون‌گرایی، امانت‌داری، شرافت کاری، رعایت موازین حرفه‌ای و تخصصی، وفاداری، تعهد، صداقت، شفافیت، حق‌طلبی قربانی اهداف خاصی همچون خویشاوندسالاری، رفاقت سالاری، ثروت، قدرت، نفوذ، اعتبار اجتماعی شوند (هوجس، ۲۰۰۲: ۱۸۳).

علاوه بر هوجس، محققان دیگری همچون هایدن هایمر و دنیل ترايسمن نیز به مقوله «ادراک فساد» و «نگرش به فساد» که می‌توان آن را «روان‌شناسی اجتماعی فساد» نام‌گذاری کرد پرداخته‌اند و تأثیرات مخرب ادراک فساد بالا را حتی از خود فساد نیز بیشتر دانسته‌اند. هایدن هایمر فساد را بر مبنای افکار عمومی تعریف می‌کند. افکار عمومی بر مبنای برداشتی که از فساد در جامعه وجود دارد، درباره مشروعیت نظام سیاسی و اعتماد اجتماعی عمودی (اعتماد مردم به دولت) قضاوت می‌کند و این قضاوت در مورد اعتماد اجتماعی عمودی بر اعتماد اجتماعی افقی (اعتماد مردم به یکدیگر) نیز تأثیر می‌گذارد (هایدن هایمر، ۲۰۰۵: ۳۹-۳۸).

دنیل ترايسمن نیز در اثر معروف خود تحت عنوان «از ده سال پژوهش تجربی بین‌الملیتی، چه چیزی در مورد علل فساد آموخته‌ایم؟»، تلاش‌های جامعه‌شناسان، اقتصاددان‌ها و دانشمندان علوم سیاسی را بررسی کرد تا تغییرات بین‌الملیتی ایجاد شده در فساد را با استفاده از درجه‌بندی‌های ذهنی و بر مبنای شاخص ادراک فساد تبیین کند. ترايسمن داده‌های ادراکی مربوط به فساد را با اطلاعات موجود در تجربه‌های واقعی فساد مقایسه می‌کند (دوگراف و

1. Bernardus Hoetjes

دیگران، ۱۳۹۴: ۳۱۷). او معتقد است «ادراک فساد» بالا منجر به افزایش تجربه فساد واقعی و گسترش و شیوع آن به شکل شبکه‌ای می‌گردد و اعتماد عمومی و نهادی و مشارکت اجتماعی را تضعیف و فردگرایی، منفعت‌طلبی و سود شخصی را ترویج می‌کند (ترایسن، ۲۰۰۷: ۱۸). مطالعات «روانشناسی اجتماعی فساد» نشان می‌دهند که ادراک فساد، با تجربه اتمسفر فساد واقعی در جامعه و در ابعاد گوناگون به وجود می‌آید و وقتی چنین ادراکی به سطح بالایی برسد، منجر به آن می‌گردد که افراد سرتاسر زندگی اجتماعی را با پیش‌فرض فساد، بی‌صدقاتی و عدم اطمینان تفسیر و تبیین کنند و سطح صداقت، اعتماد و دغدغه‌های عمومی کاهش می‌یابد و همین امر باعث افول فعالیت‌های مدنی و مشارکت‌های اجتماعی می‌گردد و همچنین ادراک فساد به راحتی و در مدت زمان کوتاهی به وجود می‌آید ولی به سختی و در درازمدت اضمحلال می‌یابد (گریتز، ۲۰۰۰: ۱۵۷). ادراک فساد، اعتماد به توانایی رژیم در پاسخ‌گویی به نگرانی شهروندان را کاهش می‌دهد و بی‌اعتمادی نهادی، رشوه را در نقش روش دسترسی به تصمیم‌گیری پرورش می‌دهد (موریس و کلسنر، ۲۰۱۰: ۱۲۵۸). اندرسون و یولیا نشان داده‌اند که شهروندان در جوامع فاسد، سطح‌های اعتماد پایین‌تر و ارزیابی بدتری از نظام سیاسی دارند (اندرسون و یولیا، ۲۰۰۳: ۵۷). پورتا استدلال می‌کند که ادراک فساد مانع عملکرد دولتی است و اعتماد شهروندان به توانایی دولت در رسیدگی به خواسته‌هایشان را کاهش می‌دهد (پورتا، ۲۰۰۰: ۱۷۸).

به‌طور کلی در مورد عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی دو نوع رویکرد وجود دارد:

۱. رویکرد جامعه‌محور که معتقد است اعتماد اجتماعی «از پایین» تولید می‌شود و قائل به تأثیر شبکه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت اجتماعی، عضویت در نهادهای مدنی و... است و نظریه پردازان مطرح آن جیمز کلمن، رابرت پاتنام، فرانسیس فوکویاما، پیر بوردیو و... هستند. (شارع‌پور و دیگران: ۱۳۹۱: ۶۵ و ۶۰؛ منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۵).
۲. رویکرد نهادمحور که معتقد است اعتماد اجتماعی نه «از پایین» بلکه «از بالا» تولید می‌شود. یعنی نهادهای سیاسی و حکومتی و خط مشی‌هایی که برابری سیاسی، حقوقی و اجتماعی را تولید می‌کنند و بر اصول انصاف، صداقت و بی‌طرفی بنا شده‌اند، اعتماد اجتماعی را به بار می‌آورند. این امر اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی را به مقولات کیفیت حکومت و فساد در نهادهای عمومی متصل می‌سازد (روستاین، ۱۳۹۳: ۲۱-۲۰). این رویکرد بر متغیرهایی همچون کارآمدی نهادها، حکمرانی خوب، وجود فساد، رشوه‌خواری، اختلاس، تبعیض، عدالت نهادی، احساس ناامنی و... تأکید دارد که بیشترین تأکید آن بر مقوله فساد در نهادهای عمومی

است. نظریه پردازان مطرح این رویکرد روستاین، استول^۱، اوفه^۲، لوی، برمن و... هستند (شارع پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۹ و ۶۵؛ منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

همان طور که در پیشینه تحقیقات ذکر گردید، رویکرد نهادمحور قدرت تبیین کنندگی بیشتری از رویکرد جامعه محور دارد. دیدگاه جامعه محور برآمده از رویکرد رابرت پاتنام قریب دو دهه تحقیقات بسیاری را درباره نقش سرمایه اجتماعی دامن زده است. رویکرد دوم حاصل ایده هایی است که اگرچه به اهمیت مفاهیمی که پاتنام در جامعه شناسی وارد ساخت اذعان دارند، لیکن تأکید وی بر مشارکت در شبکه های اجتماعی را ناقص دانسته و اعتماد را محصول کیفیت نهادها می انگارند (روستاین، ۲۰۰۵: ۴۵).

تبیین پاتنام بر این ایده استوار است که زندگی انجمنی سبب شکل گیری اعتماد شخصی شده و این اعتماد شخصی به اعتماد اجتماعی می انجامد (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۹۱). پاتنام معتقد است اعتماد اجتماعی در جوامع مدرن پیچیده از دو منبع مرتبط یعنی هنجارهای معامله متقابل و شبکه های مشارکت مدنی ناشی می شود (همان: ۲۹۳). به این ترتیب پاتنام صریحاً بر حصول اعتماد اجتماعی و اعتماد نهادی از مسیر شکل گیری اعتماد شخصی در شبکه های مشارکت مدنی تأکید دارد (شارع پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۸).

رویکرد نهادمحور ضمن صراحت داشتن در خصوص اهمیت رویکرد جامعه محور به طور اعم و اندیشه پاتنام به طور اخص و نقشی که در ایجاد مطالعات اعتماد اجتماعی داشته است، نظریه ای را در نقد اندیشه پاتنام پروانده است. براین اساس تغییرات در میزان سرمایه اجتماعی در جامعه، ریشه در طراحی نهادهای سیاسی و مدیریتی آن دارد. عامل علی در این رابطه، درجه عام گرایی و فراگیری نهادهاست، یعنی به هر میزانی که رفتار نهادها بر زمینه ای عینی، بی طرفانه، بدون تبعیض و عادلانه استوار باشد، سرمایه اجتماعی بیشتری تولید خواهد شد (روستاین، ۱۳۹۳: ۲۱۹). آنها معتقدند سرمایه اجتماعی باید در ارتباط با نهادهای رسمی و قانونی بررسی شود و مستقل از آنها به وجود نمی آید. به نظر آنها قابلیت شهروندان برای توسعه اعتماد اجتماعی به شدت تحت تأثیر نهادهای دولتی و اجرایی و سیاست های آنها قرار دارد. این رهیافت به طور ضمنی بیان می دارد که برای ایجاد سرمایه اجتماعی، نوعی مهندسی نهادی ضرورت دارد (روستاین و استول، ۲۰۰۸: ۲).

بنا بر نظریه لوی، برداشت های افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف، بر اعتماد تعمیم یافته مؤثر است. نهادهای دولتی و حکومتی منشأ ایجاد اعتماد محسوب می گردد. اگر شهروندان بر این باور باشند که این نهادها منصفانه و کارآمد عمل می کنند و در برابر فساد و

1. Stolle
2. Offe

تخطی از قانون ایستادگی می‌کنند، می‌توانند باور کنند که فرصت فرار افراد فاسد و خائن از چنگال قانون کم است و در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این گونه رفتارها دارند و بنابراین بیشتر مردم قابل اعتماد می‌گردند. از نظر روستاین و استول آنچه برای اعتماد تعمیم‌یافته مهم است، کارآمدی و عدالت این نهادهاست. اگر نهادها اعتماد‌کردنی نباشند، به مردم نیز اعتماد نمی‌شود؛ به عبارتی بی‌اعتمادی عمودی بر اعتماد افقی نیز تأثیر می‌گذارد. در مجموع اگر شهروندان به کارآمدی و عدالت نهادها به‌ویژه نهادهای دولتی، نظام قضایی و پلیس اعتقاد داشته باشند، راحت‌تر به دیگران اعتماد می‌کنند. به‌طور خلاصه فقدان اعتماد به نهادها، وجود فساد و رشوه‌خواری و احساس ناامنی در رابطه با دیگران، بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد تأثیر می‌گذارد (روستاین و استول، ۲۰۰۸: ۱۷-۱۶).

آن‌ها چهار مکانیسم علی تبیین ویژگی‌های نهادی و اعتماد اجتماعی را به این صورت مشخص می‌کنند: الف) عدالت و کارآمدی نهادی بر برداشت فرد از امنیت خود تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر، ترس از دیگران موجب بی‌اعتمادی به آن‌ها می‌شود. ب) عدالت و کارآمدی نهادها، تعیین‌کننده برداشت فرد از حافظان منافع عمومی است. اگر نهادها مورد اعتماد نباشند، مردم نیز مورد اعتماد فرد نخواهند بود. ج) عدالت و کارآمدی نهادها، نگرش نسبت به رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. اگر فرد شاهد رشوه‌خواری در بین شهروندان باشد، خودش نیز برای برآوردن نیازهایش ممکن است دست به چنین کاری بزند. از این طریق اعتماد او به دیگران و نظام کاهش می‌یابد. د) نهادها ممکن است موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی در شهروندان هنگام تماس مستقیم با آن‌ها شوند. به‌عنوان مثال نهادهای فاسد و ناعادل، موجب تجربه تبعیض و بی‌عدالتی می‌شوند که این به نوبه خود بر اعتماد تعمیم‌یافته تأثیر منفی می‌گذارد (روستاین و استول، ۲۰۰۸: ۱۸).

چارچوب نظری این تحقیق منبعت از رویکرد نهادمحور در مورد اعتماد اجتماعی و برگرفته از نظریه‌های بوروئستاین و استول است. آن‌ها رویکرد نهادمحور را در برابر رویکرد جامعه‌محور جیمز کلن، رابرت پاتنام، فرانسیس فوکویاما، پیر بوردیو و ... قرار دادند. آن‌ها با این کار به دنبال سروته کردن منطق علی در مورد اعتماد اجتماعی بودند. اگر رویکرد جامعه‌محور معتقد بود اعتماد اجتماعی «از پایین» و بر مبنای چگالی زندگی انجمنی، شبکه‌های اجتماعی، روابط اجتماعی، مشارکت‌های اجتماعی رسمی و غیررسمی تولید می‌شود، آن‌ها معتقدند اعتماد اجتماعی نه «از پایین»، بلکه «از بالا» تولید می‌شود. نکته مهم نهفته در تبیین نظریه روستاین و استول، تأکید بر کارآمدی نهادی است. آن‌ها با این توضیح رابطه‌ای را بین ناکارآمدی نهادی، بی‌اعتمادی و فساد مطرح می‌کنند. کارآمدی نهادی با کیفیت حکومت در ارتباط نزدیک با

سیاست‌های ضد فساد است (روستاین، ۲۰۱۲: ۴۰). به عقیده روستاین، اعتماد اجتماعی با کیفیت نهاد حکومتی به‌ویژه در مسئله مبارزه با فساد تعیین می‌شود (همان). شبکه عدالت مالیاتی پیشنهاد کرده است فساد در ارتباط با اعتماد نهادی تعریف شود؛ بدین ترتیب فساد فعالیتی است که اعتماد عمومی به سلامت قانون‌ها، نظام‌ها و نهادهای حاکم بر جامعه را تضعیف می‌کند. سوزان رز اکرم^۱ در ذیل تعریف فساد، آن را کنشی می‌داند که اعتماد به کارمندان دولتی و مشروعیت دولتی را نقض می‌کند (رز اکرم، ۱۳۸۵: ۱). برنامه توسعه سازمان ملل متحد، ارتباط معکوس فساد و اعتماد را تبیین می‌کند و فساد را به شکل زیر معرفی کرده است:

فساد = (انحصار + نفع شخصی) - (پاسخگویی + اعتماد + شفافیت)

دانشمندان علوم سیاسی معتقدند که فساد شامل سوءاستفاده سیاستمداران از قدرت به نفع خود است و این امر، اعتماد شهروندان به نهادهای سیاسی را کاهش می‌دهد (تئوبال، ۱۹۹۰: ۱۰۶). فساد افزایش یافته، اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد و فساد دولتی، جامعه را غیرقابل اعتماد، می‌سازد. در مقابل برابری بیشتر و فساد کمتر به برنامه‌های رفاه اجتماعی و سطح بالای اعتماد عمومی منجر می‌شود (کوبه، ۲۰۱۳: ۴۶).

در واقع نظریه روستاین و استول، اعتماد اجتماعی را به مقولات کیفیت حکومت و فساد در نهادهای عمومی متصل می‌سازد و معتقد است این تلقی مردم از نهادهای سیاسی و اداری و خط مشی‌های آنان است که می‌تواند انواع اعتماد اجتماعی را، شامل اعتماد بین‌فردی، تعمیم‌یافته، نهادی و محیطی، برانگیزاند. در این بین به نقش کلیدی و محوری اعتماد نهادی و تأثیر تعیین‌کننده‌ای که بر سایر انواع اعتماد اجتماعی دارد اشاره می‌کنند. از نظر روستاین و استول رابطه‌ای قوی بین ادراک فساد بالا و عدم اعتماد به نهادهای عمومی وجود دارد. این چرخه، «دام فساد» را تولید می‌کند و جوامع فاسد در این دام گرفتار می‌شوند؛ دامی که در آن فساد، فساد بیشتری به بار می‌آورد و جامعه را در نوعی چرخه و دور تسلسل قرار می‌دهد. این دام، مبارزه با فساد را دشوار می‌کند. در این صورت، اگر نهادهای عمومی فاسد سبب شوند مردم زندگی را فاسد تفسیر کنند، امکان رشد اعتماد اجتماعی وجود نخواهد داشت (روستاین، ۱۳۹۳: ۶۱). در این بین، آن‌ها به ساختار بوروکراسی و حکومت کلیتوکراسی^۲ (دزدسالاری) اشاره می‌کنند.

1. Rose-Ackerman
2. Kleptocracy

اصطلاح کلیتوکراسی را برای اولین بار در جامعه‌شناسی، استانیسلاو آندرسکی^۱ به کار برده است. کلیتوکراسی به دولت و ساختار نهادی اشاره دارد که عامه مردم را فدای افزایش ثروت و قدرت سیاسی شخصی طبقه حاکم می‌کند. دزدسالاری معمولاً با اختلاس در بودجه‌های دولتی همراه است. حکومت و ساختار نهادی کلیتوکراسی تأثیرات بسیار مخربی بر جامعه، هنجارهای اجتماعی، اقتصاد سیاسی و حقوق مدنی می‌گذارد؛ و باعث الگوبرداری طبقات مختلف اجتماع از رؤسا و رهبران دزدسالار و سرایت فساد به سایر طبقات جامعه نیز می‌شود، به طوری که فساد از بالا به پایین رخنه می‌کند و همچون غده سرطانی، سرتاسر جامعه را فرا می‌گیرد و مردم عادی، کارمندان و کارگران، از آن جایی که می‌بینند مسئولان و مدیران عالی‌رتبه در فساد و اختلاس‌های کلان غرق‌اند، به فکر سوء استفاده از موقعیت‌های اداری، کاری و شخصی خود می‌افتند. چنین شرایطی فساد را در جامعه تبدیل به امری نهادینه و به نوعی عرف و هنجار اجتماعی می‌کند و تمامی روابط اجتماعی بر مبنای منفعت شخصی و اصالت سود شکل می‌گیرد. روستائین و استول معتقدند ادراک فساد عموم مردم از این نوع حکومت و ساختار نهادی، موجب اضمحلال و فروپاشی اعتماد نهادی و به تبع آن سایر انواع اعتماد اجتماعی خواهد شد (روستائین و استول، ۲۰۰۸: ۳۹).

روستائین یک سازوکار علی سه بخشی را که بر اساس آن، مردم سه نوع استنباط متفاوت از ادراک فساد می‌سازند شرح می‌دهد:

۱. استنباط از مقامات دولتی؛ اگر مقامات دولتی در جامعه‌ای به جانب‌داری و فساد شهره باشند، شهروندان معتقد خواهند شد که حتی افرادی که تحت الزامات قانونی برای عمل در خدمت مردم هستند نیز قابل اعتماد نیستند و بنابراین نتیجه‌گیری خواهند کرد که بیشتر مردم دیگر نیز قابل اعتماد نیستند.

۲. استنباط از کل مردم؛ شهروندانی که می‌بینند در جامعه‌ای که ادارات فاسد و جانب‌دار وجود دارد، بیشتر مردم باید در فساد، رشوه و اشکال متنوع خویشاوندگرایی، جهت به دست آوردن آنچه که احساس می‌کنند حق مسلم آن‌هاست شرکت کنند، به این نتیجه می‌رسند که بیشتر مردم غیر قابل اعتمادند.

۳. استنباط از خویشتن؛ شهروندان برای پیش‌برد کار در چنین جامعه‌ای مجبور به پرداخت رشوه، فساد و خویشاوندگرایی می‌شوند، حتی اگر این اعمال را از نظر اخلاقی نادرست بدانند. بنابراین به این نتیجه می‌رسند که از آن جایی که خودشان نمی‌توانند قابل اعتماد باشند، سایر مردم نیز قابل اعتماد نخواهند بود (روستائین، ۱۳۹۳: ۷-۲۰۶).

1. Stanislav Andreski

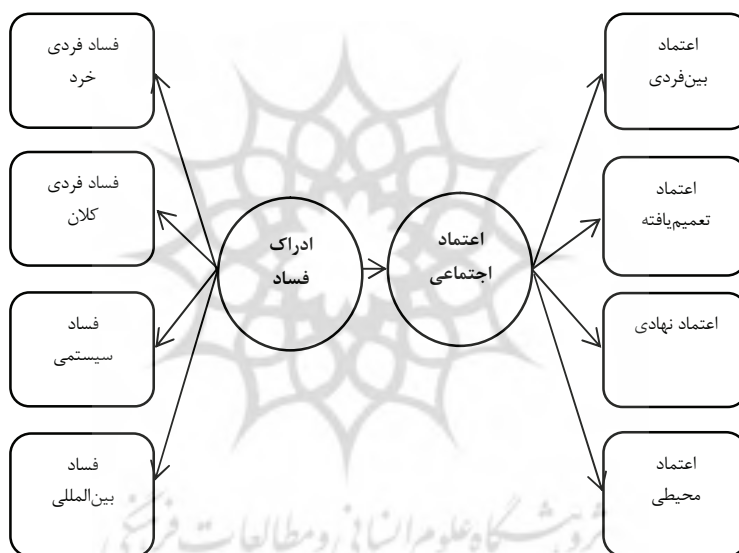
فرضیه‌ها

فرضیه اصلی

- بین ادراک شهروندان از فساد و اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.

فرضیات جزئی

- بین ادراک شهروندان از فساد فردی خرد و اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین ادراک شهروندان از فساد فردی کلان و اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین ادراک شهروندان از فساد سیستمی و اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- بین ادراک شهروندان از فساد بین‌المللی و اعتماد اجتماعی آن‌ها رابطه وجود دارد.



شکل ۱. مدل نظری تحقیق

۴. روش‌شناسی

در این پژوهش از روش پیمایش و ابزار پرسش‌نامه استفاده شده است. بدین ترتیب واحد تحلیل، فرد و سطح تحلیل خرد است. برای متغیر مستقل تحقیق یعنی ادراک فساد، از پرسش‌نامه استاندارد سازمان شفافیت بین‌الملل استفاده گردید. این سازمان، سازمانی غیردولتی است که دفتر اصلی آن در برلین آلمان قرار دارد و در بیش از ۱۰۰ کشور نمایندگی دارد. هدف اصلی این سازمان تلاش برای مبارزه با فساد و افزایش آگاهی در مورد آن است. این سازمان براساس این پرسش‌نامه، سالیانه به انتشار شاخص ادراک فساد در بیش از ۱۷۰ کشور اقدام

می‌کند. برای متغیر وابسته یعنی اعتماد اجتماعی نیز از بعد اعتماد اجتماعی پرسش‌نامه استاندارد پیمایش جهانی سرمایه اجتماعی (GSCS)^۱ استفاده گردید. این پرسش‌نامه توسط ناریان و کسیدی^۲ و زیر نظر بانک جهانی و برنامه‌های کاهش فقر طراحی و اجرا شد (کریشنا و یوفوف^۳، ۱۹۹۹: ۱۷۶). البته با استفاده از دیدگاه‌های متخصصان، صاحب‌نظران و کارشناسان و همچنین متناسب با موضوع، شرایط و مختصات جامعه آماری تحقیق، اصلاحاتی در هر دو نوع پرسش‌نامه استاندارد انجام پذیرفت و سپس اعتبار صوری و پایایی (آلفای کرونباخ) این پرسش‌نامه، ابتدا بر روی یک نمونه کوچک و نسبتاً معرف ۴۰ نفری تأیید شد و پس از آن روی نمونه بزرگ تحقیق اجرا گردید.

جامعه آماری تحقیق همه شهروندان بالای ۳۰ سال (به دلیل داشتن حداقلی از مشارکت و فعالیت اقتصادی - اجتماعی) شهرهای آمل، ساری و چالوس استان مازندران بودند که براساس سرشماری سال ۱۳۹۵ تعداد آنان ۶۵۰۱۲۶ نفر است. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده گردید. با توجه به گستردگی جغرافیایی استان مازندران، این استان به سه ناحیه شرقی، مرکزی و غربی تقسیم شده است. از ناحیه شرقی شهر ساری به‌عنوان مرکز استان، از ناحیه مرکزی شهر آمل به‌عنوان یکی از قطب‌های اقتصادی، صنعتی و تجاری استان و از ناحیه غربی شهر چالوس به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شهرهای توریستی استان برای نمونه تحقیق انتخاب شده است، که هر سه شهر از پرجمعیت‌ترین شهرهای استان بوده و مسائل اجتماعی متعدد و فراوانی دارند و بیشترین قرابت اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی را با شهرهای اطراف ناحیه خود دارند. هر سه شهر را در مرحله اول بر مبنای بلوک‌های سرشماری به سه خوشه شرقی، مرکزی و غربی تقسیم‌بندی کردیم و بعد از هر خوشه دو محله به صورت تصادفی انتخاب گردید. از شهر ساری در خوشه غربی محلات راهبند و نعل‌بندان، در خوشه مرکزی محلات سبزه‌میدان و چاله‌باغ و در خوشه شرقی محلات ششصد دستگاه و کوی برق، از شهر آمل در خوشه غربی محلات فرهنگ‌شهر و شادمحل، در خوشه مرکزی محلات رضوانیه و دوران‌سر و در خوشه شرقی محلات هارون‌محله و ملت‌آباد و از شهر چالوس در خوشه غربی محلات ساحل آرام و عرب‌خیل، در خوشه مرکزی محلات رادیو دریا و گل‌سرخ و در خوشه شرقی محلات باغ‌پرور و زنده‌دل انتخاب شدند و در مرحله بعد کوچه و بلوک ساختمانی به شکل تصادفی انتخاب گردیدند. حجم نمونه براساس فرمول کوکران محاسبه شد. براساس این فرمول، حجم نمونه تحقیق ۳۸۴ نفر بود.

1. Global Social Capital Survey
2. Narayan & Cassidy
3. Krishna & Uphoff

مسائل اجتماعی ایران، سال دهم، شماره ۲

جدول ۱. تعریف نظری و عملیاتی متغیرهای مستقل و وابسته

متغیر	ابعاد	تعریف نظری	تعریف عملیاتی
فردی خرد	فساد	به فسادی که توسط فرد یا افراد محدود و خصوصی رخ می‌دهد و حالت برنامه‌ریزی شده‌ای ندارد (رز اکرم، ۲۰۱۰: ۵۳) و همچنین در سطوح پایین‌تر جامعه رخ می‌دهد و منافع کسب‌شده از آن از ارزش مالی کمتری برخوردار است (سمپورد، ۲۰۰۷: ۹).	میزان ارزیابی و تصور مردم از عدم صداقت در معامله، پرداخت‌های زیرمیزی، تبعیض، خویشاوندسالاری، پارتی‌بازی، فرار مالیاتی، کم‌کاری، تضییع حقوق دیگران و... توسط کارمندان خرد و میانی سازمان‌ها و ادارات مختلف، کارگران، فروشندگان، کسبه، بازاریان، مشاوران املاک، بنگاه‌ها، واسطه‌ها و خود مردم.
	فساد فردی کلان	به فسادی که توسط فرد یا افراد محدود و خصوصی رخ می‌دهد و حالت برنامه‌ریزی شده‌ای ندارد (رز اکرم، ۲۰۱۰: ۵۳) همچنین در میان بالاترین سطوح مدیریتی یک کشور و درخصوص پروژه‌ها و برنامه‌های عظیم دولتی و حکومتی رخ می‌دهد و شامل مبالغ و اموال هنگفتی است (سمپورد، ۲۰۰۷: ۹).	میزان ارزیابی و تصور مردم از اختلاس، رشوه، تبعیض، خویشاوندسالاری، آفازادگی، پارتی‌بازی، حقوق‌های نجومی، فرار مالیاتی، زمین‌خواری و... در سطح کلان جامعه و توسط مسئولان و مدیران عالی‌رتبه.
ادراک فساد	فساد سیستمی	به فسادی که شیوع گسترده‌ای دارد و ساختاری، نهادی، شبکه‌ای و برنامه‌ریزی شده‌ای دارد (رز اکرم، ۲۰۱۰: ۵۴). در این نوع فساد، اعمال، روابط و معروضه‌های فسادآمیز خودتبدیل به هنجار و قانون می‌شود؛ به‌گونه‌ای که آن‌هایی که ملتزم به عمل فسادآمیز هستند به‌جای مجازات مورد تشویق و پاداش قرار می‌گیرند و آن‌هایی که ملتزم به عمل فسادآمیز نیستند، به‌جای پاداش مورد تنبیه و مجازات قرار می‌گیرند (دادخدا، ۱۳۹۰: ۱۰۵). در این نوع فساد، دستگاه‌های قانون‌گذار و مبارزه‌کننده با فساد (مانند دستگاه قضا، نیروی انتظامی، دیوان محاسبات، سازمان بازرسی، سازمان حسابرسی و...) دچار فساد می‌شوند. یعنی عواملی که باید با فساد مبارزه کنند و علیه آن قوانینی را وضع و اجرا نمایند نیز خود دچار فساد شده‌اند (توکلی، ۱۳۹۵: ۱۲۳).	میزان ارزیابی و تصور مردم از عدالت و احقاق حق در دستگاه قضا و نیروی انتظامی، جدیت و عزم راسخ برای مبارزه با فساد و مفسد اقتصادی، رسیدن به هدف از طریق اعمال فاسد، نرسیدن به هدف از طریق اعمال قانونی، رانت اطلاعات، کسب ثروت با آورده از طریق رانت و نزدیکی به مراکز قدرت، لابی و نفوذ سرمایه‌داران در سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیری‌ها، میزان جامع‌نگری طبقات اجتماعی مختلف در قوانین و سیاست‌گذاری‌ها، میزان گردش قدرت بر اساس اصل شایسته‌سالاری و...
	فساد بین‌المللی	به فسادی که در خارج از مرزهای جغرافیایی یک کشور ولی در ارتباط با آن کشور و همچنین در تعاملات و مبادلات خارجی روی می‌دهد را گویند (شمز، ۲۰۰۷: ۹۰).	میزان ارزیابی و تصور مردم از قاچاق کالا، ترجیح منافع دلالتان واردات بر منافع تولیدکنندگان داخلی، ترجیح منافع باندی و شخصی بر منافع ملی در قراردادهای بین‌المللی، خروج غیرقانونی سرمایه‌ها از کشور و...
اعتماد اجتماعی	اعتماد بین‌فردی	به اعتماد به افراد آشنا و اشخاصی که عمدتاً با آنان در ارتباط هستند و روابط چهره‌به‌چهره دارند را گویند (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۴).	میزان اعتماد به اعضای خانواده، فامیل و خویشاوندان، دوستان، همکاران یا همکلاسی‌ها و همسایگان از لحاظ صفات و خصوصیات مانند یکی‌بودن ظاهر و باطن، امانت‌داری، اطمینان به قول و تعهد آنان و...

1. Sampord
2. Shams

رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان

میزان اعتماد به هم‌شهریان، هم‌استانی‌ها، مردم (سایر ایرانیان) از لحاظ صفات و خصوصیتی مانند یکی‌بودن ظاهر و باطن، امانت‌داری، اطمینان به قول و تعهد آنان و ...	به معنای داشتن اطمینان و حسن ظن نسبت به مردم و افراد جامعه (غریبه‌ها)، جدا از تعلق آن‌ها به گروه‌های سنی، جنسی، فامیلی، دوستانه، قومی و قبیله‌ای را گویند (افشانی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶).	اعتماد تعمیم‌یافته
میزان اعتماد مردم به مدیران سازمان‌های دولتی، سیاستمداران، بانک‌ها و مؤسسات مالی، صدا و سیما، دادگستری، روحانیت، پلیس و نیروی انتظامی، معلمان، اساتید دانشگاه، پزشکان، بازاریان، مشاوران املاک و بنگاه‌ها و ...	به اعتماد مردم یک جامعه به نهادها، سازمان‌ها، ارگان‌ها و صنوف شغلی، حرفه‌ای و تخصصی جامعه را گویند (ذاکری همامنه، ۲۰۸: ۱۳۹۰).	اعتماد نهادی
میزان عدم‌اعتماد به هرکس در وضعیت کنونی جامعه، میزان دورویی و ریا در جامعه، وسواس در انتخاب دوست و شریک، اطمینان از سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت در جامعه، بی‌عدالتی در محیط اجتماعی و ...	میزان ریسک‌پذیری و قابل اطمینان دانستن جامعه و محیط زندگی را گویند (ذاکری همامنه، ۲۰۸: ۱۳۹۰).	اعتماد محیطی

در این تحقیق از اعتبار صوری برای برآورد اعتبار پرسش‌نامه استفاده گردیده است. پایایی تحقیق نیز با ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است و نتایج آن در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. پایایی مقیاس‌های تحقیق

نام متغیرها	تعداد گویه‌ها	مقدار آلفا
ادراک فساد خرد	۱۰	۰/۸۹
ادراک فساد کلان	۷	۰/۸۷
ادراک فساد سیستمی	۹	۰/۸۴
ادراک فساد بین‌المللی	۴	۰/۷۷
اعتماد بین فردی	۱۵	۰/۸۴
اعتماد تعمیم‌یافته	۹	۰/۸۱
اعتماد نهادی	۲۰	۰/۹۰
اعتماد محیطی	۵	۰/۷۶

۵. یافته‌ها

۵-۱. توصیف نمونه

به لحاظ جنسیت ۵۰ درصد پاسخگویان مرد و ۵۰ درصد زن بودند. میانگین سن پاسخگویان ۴۱ سال، حداقل سن پاسخگویان ۳۰ و حداکثر ۸۰ سال بود. ۳۷/۵ درصد پاسخگویان مجرد و ۶۲/۵ درصد متأهل بودند. از لحاظ میزان تحصیلات، ۱/۲ درصد بی‌سواد، ۲/۸ درصد ابتدایی، ۳/۸ درصد سیکل، ۱۵/۸ درصد دیپلم، ۵/۳ درصد فوق دیپلم، ۴۴ درصد لیسانس، ۲۱/۸ درصد فوق لیسانس و ۵/۳ درصد دارای تحصیلات دکتری و بالاتر بودند که کمترین فراوانی را افراد بی‌سواد و بیشترین فراوانی (مد) را افراد دارای تحصیلات لیسانس تشکیل داده‌اند. از لحاظ

وضعیت شغلی، ۴/۲ درصد تولیدی، ۲۵/۵ درصد تجاری، ۴۳/۵ درصد خدماتی، ۱۹ درصد خانه‌دار، ۲ درصد محصل، ۱ درصد از کار افتاده و ۴/۸ درصد هم بیکار بودند که کمترین فراوانی را افراد از کار افتاده و بیشترین فراوانی (مد) را افراد دارای مشاغل خدماتی تشکیل داده‌اند. میانگین درآمد ماهیانه خانوار پاسخگویان حدود ۳ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان بود. حداقل درآمد ماهیانه خانوار آن‌ها یک میلیون تومان و حداکثر آن ۱۴ میلیون تومان بود.

۲-۵. توصیف ادراک فساد و اعتماد اجتماعی

توصیف آماری ادراک فساد و اعتماد اجتماعی و متغیرهای تشکیل‌دهنده آن‌ها براساس یک شاخص مرکزی (میانگین) و دو شاخص پراکندگی (انحراف معیار و دامنه تغییرات) در ادامه آمده است. تمامی متغیرها در دامنه ۵-۱ نمره‌گذاری شده است.

جدول ۳. یافته‌های مربوط به توصیف ادراک فساد و اعتماد اجتماعی

سازه‌ها	متغیرها	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات
ادراک فساد	ادراک فساد خرد	۳/۴۹۲	۰/۷۹۸	۴
	ادراک فساد کلان	۳/۴۷۰	۰/۷۸۲	۳/۷۶
	ادراک فساد سیستمی	۳/۴۵۶	۰/۷۶۴	۳/۶۶
	ادراک فساد بین‌المللی	۳/۱۸۵	۰/۰۱۶	۴
اعتماد اجتماعی	ادراک فساد کل	۳/۴۰۱	۰/۶۰۵	۲/۷۵
	اعتماد بین فردی	۲/۲۰۷	۰/۶۴۴	۳/۷۳
	اعتماد تعمیم‌یافته	۱/۹۷۴	۰/۶۸۱	۳/۸۷
	اعتماد نهادی	۱/۴۱۶	۰/۷۱۷	۴
	اعتماد محیطی	۱/۸۵۹	۰/۶۹۳	۴
اعتماد اجتماعی	۱/۸۶۴	۰/۷۰۹	۳/۳۶	

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، ادراک فساد و همه ابعادش در سطح بالاتر از متوسط و اعتماد اجتماعی و همه ابعادش در سطح پایین‌تر از متوسط قرار دارد. در بین ابعاد ادراک فساد، بالاترین ادراک را بعد فساد خرد (۳/۴۹۲=میانگین) و پایین‌ترین آن را بعد فساد بین‌المللی (۳/۱۸۵=میانگین) داشته است. در بین ابعاد اعتماد اجتماعی، بالاترین میانگین را بعد اعتماد بین فردی (۲/۲۰۷=میانگین) و پایین‌ترین آن را بعد اعتماد نهادی (۱/۴۱۶=میانگین) داشته است.

۳-۵. بررسی پیش‌فرض‌های آماری

یکی از پیش‌فرض‌های بسیار مهم برای انجام آزمون‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادلات ساختاری، توزیع نرمال متغیرهای مستقل و وابسته است که در این تحقیق برای سنجش آن از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردیده است که نتایج آن در قالب جدول ۴ ارائه گردیده است:

رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان

جدول ۴. آزمون کولموگروف-اسمیرنف

نام متغیرها	Z	سطح معناداری (p)
ادراک فساد	۱/۳۹۰	۰/۰۷۲
سرمایه اجتماعی	۱/۳۵۷	۰/۰۸۵

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، چون برای هر دو متغیر، آماره Z در دامنه $+1/96$ و $-1/96$ قرار گرفته و معنادار نشده است، در نتیجه توزیع داده‌های هر دو متغیر مستقل و وابسته نرمال است. یکی دیگر از پیش‌فرض‌های بسیار مهم برای انجام آزمون آماری مدل‌سازی معادلات ساختاری عدم رابطه هم‌خطی بالا بین متغیرهای مستقل است که در این تحقیق از طریق آماره‌های تولرانس و VIF مورد سنجش قرار گرفته است که نتایج آن در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵. میزان هم‌خطی میان متغیرهای مستقل

نام متغیرهای مستقل	آماره‌های هم‌خطی	
	تولرانس	عامل تورم واریانس (VIF)
فساد خرد	۰/۶۱۸	۱/۶۱۸
فساد کلان	۰/۶۳۱	۱/۵۸۶
فساد سیستمی	۰/۶۰۸	۱/۶۴۶
فساد بین‌المللی	۰/۹۳۴	۱/۰۷۱

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد، از آنجایی که میزان تولرانس هر ۴ متغیر مستقل نزدیک عدد ۱ و میزان VIF آن‌ها کمتر از عدد ۲ است نشان‌دهنده عدم هم‌خطی بالا بین متغیرهای مستقل تحقیق است.

۵-۴. ارتباط ادراک فساد و اعتماد اجتماعی

چون سطح سنجش تمام متغیرهای مستقل اصلی و متغیر وابسته تحقیق از نوع فاصله‌ای است، از ضریب همبستگی پیرسون جهت آزمون روابط بین متغیرها استفاده شده است که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج ضریب همبستگی پیرسون میان متغیرهای مستقل با اعتماد اجتماعی

نام متغیرها	میزان همبستگی (r)	سطح معناداری (p)
ادراک فساد خرد	-۰/۴۰	۰/۰۰۰
ادراک فساد کلان	-۰/۴۴	۰/۰۰۰
ادراک فساد سیستمی	-۰/۵۱	۰/۰۰۰
ادراک فساد بین‌المللی	-۰/۲۲	۰/۰۰۰
ادراک فساد کل	-۰/۵۶	۰/۰۰۰

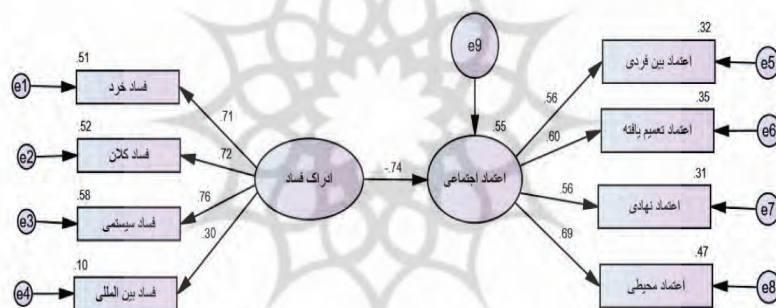
همان‌طور که ملاحظه می‌گردد ارتباط و همبستگی ادراک فساد و کلیه ابعادش با اعتماد اجتماعی، با سطح اطمینان بیش از ۹۹ درصد و سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ و همگی در جهت منفی و معکوس معنادار و تأیید شدند. بالاترین ارتباط را بعد از ادراک فساد کل، به ترتیب ابعاد ادراک فساد سیستمی، کلان، خرد و بین‌المللی با اعتماد اجتماعی داشته است.

۴-۵. برازش مدل نظری

مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM) یک تکنیک تحلیل چندمتغیری بسیار نیرومندی از خانواده رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط مدل خطی کلی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را همزمان مورد آزمون قرار دهد (هومن، ۱۳۹۰: ۱۱). مدل‌سازی معادلات ساختاری از سه بخش تشکیل شده است:

۱. تحلیل عامل: روابط بین متغیرهای پنهان (مکنون) با متغیرهای آشکار.
۲. تحلیل مسیر: تأثیر متغیرهای پنهان مستقل بر یکدیگر و بر متغیر پنهان وابسته.
۳. سطح خطای سنجش: در این روش مابازای هر متغیر آشکار و هر متغیر پنهان وابسته یک سطح خطای سنجش داریم.

در این تحقیق مدل‌سازی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزار Amos مورد سنجش قرار گرفت که نتایج آن در زیر آمده است:



$X^2=42.626$ $D.F=19$ $X^2/D.F=2.243$ $RMSEA=.056$ $CFI=.969$ $NFI=.946$

شکل ۲. مدل‌سازی معادلات ساختاری

همان‌طور که شاخص‌های برازش نشان می‌دهد نسبت $X^2/D.F$ کمتر از ۳، شاخص $RMSEA$ کمتر از ۰/۰۸ و شاخص‌های CFI و NFI بالاتر از ۰/۹۰ است که همگی نشان‌دهنده برازش مطلوب و قابل قبول مدل است. میزان R^2 در این مدل ۰/۵۵ است که نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مستقل ۵۵ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده‌اند که مقدار مناسبی است. همچنین در مدل متغیر پنهان بیرونی یعنی ادراک فساد، با ضریب $Beta = -0.74$ بر اعتماد

رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان

اجتماعی به‌عنوان متغیر پنهان درونی تأثیر منفی و معکوسی می‌گذارد که تأثیری بسیار قوی است.

در جدول ۷ نسبت بحرانی و سطح معناداری برای تمامی مسیر تأثیر مابین متغیرهای موجود در مدل، چه در تحلیل عامل (مدل‌های اندازه‌گیری) و چه در تحلیل مسیر (مدل ساختاری) آمده است که چون میزان C.R برای تمامی مسیرها بیشتر از $+1/96$ و کمتر از $-1/96$ است، در نتیجه تمامی تأثیرات معنادار شده است.

جدول ۷. نسبت بحرانی و سطح معناداری

P	C.R	مسیر تأثیر متغیرها
۰,۰۰۰	-۹,۲۳۳	ادراک فساد ← اعتماد اجتماعی
۰,۰۰۰	۱۱,۹۹۷	ادراک فساد ← فساد کلان
۰,۰۰۰	۱۲,۳۳۱	ادراک فساد ← فساد سیستمی
۰,۰۰۰	۵,۲۲۳	ادراک فساد ← فساد بین‌المللی
۰,۰۰۰	۹,۲۳۷	اعتماد اجتماعی ← اعتماد تعمیم‌یافته
۰,۰۰۰	۸,۸۴۰	اعتماد اجتماعی ← اعتماد نهادی
۰,۰۰۰	۹,۶۵۶	اعتماد اجتماعی ← اعتماد محیطی

در جدول ۸ تعداد دیگری از شاخص‌های برازش مدل آمده است که همگی در دامنه قابل قبول قرار دارد و براساس این شاخص‌ها نیز مدل برازش مطلوب و قابل قبولی دارد.

جدول ۸. شاخص‌های برازش کلی مدل

تفسیر	دامنه قابل قبول	میزان	معادل لاتین	شاخص‌های برازش
مطلوب	۰/۰۸ تا ۰	۰/۰۲۰	RMR	ریشه میانگین مربعات باقی‌مانده
مطلوب	۱ تا ۰/۹۰	۰/۹۵۴	TLI	شاخص توکر- لوئیس
مطلوب	۱ تا ۰/۹۰	۰/۹۶۹	IFI	شاخص برازش افزایشی
مطلوب	۱ تا ۰/۹۰	۰/۹۲۰	RFI	شاخص برازش نسبی
مطلوب	۱ تا ۰/۹۰	۰/۹۷۵	GFI	شاخص نیکویی برازش
مطلوب	۱ تا ۰/۹۰	۰/۹۵۲	AGFI	شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده
مطلوب	۱ تا ۰/۵۰	۰/۵۱۴	PGFI	شاخص نیکویی برازش مقتصد
مطلوب	۱ تا ۰/۵۰	۰/۶۴۲	PNFI	شاخص برازش هنجار شده مقتصد
مطلوب	۱ تا ۰/۵۰	۰/۶۵۷	PCFI	شاخص برازش تطبیقی مقتصد

۶. بحث و نتیجه‌گیری

سرمایه اجتماعی بر مبنای بسیاری از تحقیقات و نظریات جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و ... به‌عنوان مهم‌ترین و استراتژیک‌ترین سرمایه هر جامعه‌ای برای تحقق توسعه قلمداد می‌گردد. همچنین، اعتماد اجتماعی بر مبنای بسیاری از نظریات و یافته‌های تجربی به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین متغیر سرمایه اجتماعی محسوب می‌گردد. بر مبنای ادبیات نظری اعتماد اجتماعی، دو نوع رویکرد جامعه‌محور و نهادمحور برای تبیین آن وجود دارد که تحقیقات مختلف قدرت تبیین‌کنندگی رویکرد نهادمحور را بیشتر از رویکرد جامعه‌محور ارزیابی

کرده‌اند (شارع‌پور و دیگران، ۱۳۹۱: ۱-۶۰). بر مبنای نظریه بسیاری از نظریه‌پردازان همچون بوروشتاین، استول، اوفه، لوی، برمن و... یکی از مهم‌ترین متغیرها و مؤلفه‌های نهادی مقوله ادراک فساد توسط مردم است که در این تحقیق ارتباط آن با اعتماد اجتماعی مورد سنجش قرار گرفت. در بخش یافته‌ها توصیفی ارائه شد که میانگین ادراک فساد و کلیه ابعادش (فساد خرد، فساد کلان، فساد سیستمی و فساد بین‌المللی) در سطح بالایی قرار داشتند که کاملاً با داده‌های ادراک فساد سازمان شفافیت بین‌الملل از جامعه ایران، در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۹-۲۰۱۳ که در بخش بیان مسئله به آن اشاره گردید، تطبیق دارد. همین‌طور میانگین اعتماد اجتماعی و همه ابعادش (اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی و اعتماد محیطی) در سطح پایینی قرار داشتند. در بخش یافته‌های تبیینی ارتباط منفی و معکوس ادراک فساد و کلیه ابعادش با اعتماد اجتماعی مورد تأیید قرار گرفت؛ یعنی هرچه میزان ادراک فساد و کلیه ابعادش افزایش یابد، به تبع آن اعتماد اجتماعی و کلیه ابعادش نیز کاهش می‌یابد که این نتیجه یافته‌های تحقیقات، چانگ و چو (۲۰۰۶)، موریس و کلسنر (۲۰۱۰)، ریچی (۲۰۱۰)، گراجزل و همکاران (۲۰۱۲)، اوله و ناوارو (۲۰۱۷)، نانکو و دیگران (۲۰۱۸)، منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸)، شارع‌پور و دیگران (۱۳۹۱)، خسروآبادی و همکاران (۱۳۹۴)، نرگسیان و دیگران (۱۳۹۷) و فاضلی و جلیلی (۱۳۹۷) را تأیید می‌کند. همچنین نتایج این تحقیق چارچوب نظری تحقیق در مورد قدرت تبیین‌کنندگی بالای رویکرد نهادمحور در مورد اعتماد اجتماعی را نیز که منبعث از نظریات بوروشتاین و استول بود، تأیید می‌کند. آن‌ها معتقد بودند اعتماد اجتماعی نه «از پایین»، که «از بالا» تولید می‌شود و در این بین مهم‌ترین متغیر تأثیرگذار را که باعث تخریب اعتماد اجتماعی از بالا می‌گردد وجود ادراک فساد بالا در ابعاد مختلف می‌دانستند که یافته‌های این تحقیق نیز آن را تأیید می‌کند. بنابراین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر مقوله اعتماد اجتماعی، متغیر ادراک فساد در ابعاد گوناگون آن است؛ لذا بر مبنای یافته‌های این تحقیق، کاهش فساد در جامعه در ابعاد خرد، کلان، بین‌المللی و بالاخص سیستمی و به تبع آن کاهش ادراک عموم مردم از فساد در ابعاد گوناگون آن، می‌تواند منجر به افزایش اعتماد اجتماعی عمودی و به دنبال آن بهبود اعتماد اجتماعی افقی و به‌طور کلی همه ابعاد اعتماد بین‌فردی، اعتماد تعمیم‌یافته، اعتماد نهادی و اعتماد محیطی گردد. از این‌رو برای کاهش فساد و ادراک آن و ارتقاء ابعاد مختلف اعتماد اجتماعی موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

۱. تأکید بر رویکردهای نهادمحور (از بالا به پایین) تولید اعتماد اجتماعی همچون الگوی حکمرانی، نوع نظام سیاسی-اقتصادی، دموکراسی و به‌طور اخص فساد؛

 رابطه ادراک فساد و اعتماد اجتماعی در بین شهروندان

۲. مدیریت و کنترل تعارض منافع^۱ به‌عنوان یکی از ریشه‌های اصلی فساد؛
۳. عدم بسترسازی و مقابله با روند امضاهای طلایی و توزیع رانت به‌ویژه از بخش دولتی به بخش خصوصی؛
۴. ایجاد و تحقق عدالت و شفافیت اطلاعاتی و جلوگیری از تحقق رانت اطلاعاتی؛
۵. ایجاد تحول ساختاری در نهادها و ارگان‌های مبارزه‌کننده با فساد جهت مقابله جدی و اصولی با مصادیق گوناگون فساد (کاهش فساد سیستمی)؛
۶. جلوگیری از سرایت و انتشار فساد از سطح کلان جامعه به سطح خرد و در میان مردم، کارمندان، کاسبان و کارگران (ساختار نهادی کلیتوکراسی)؛
۷. حمایت از منافع تولیدکنندگان داخلی در برابر منافع دلان وارداتی و وضع قوانین متناسب صادرات و واردات و عوارض گمرکی (کاهش فساد بین‌المللی)؛
۸. اولویت ویژه دادن به ارتقاء و بهبود بعد اعتماد نهادی از طریق افزایش بهره‌وری، کارایی، عدالت‌محوری و عدم تبعیض نهادهای اجرایی و کاهش نظام‌مند فساد سیستمی، زیرا اعتماد نهادی پایین‌ترین میانگین را در بین تمامی شاخص‌ها به دست آورد و همچنین بر مبنای چارچوب نظری تحقیق ادراک فساد به‌ویژه بعد سیستمی آن، از طریق تأثیر مخرب بر این بعد، بر سایر ابعاد و به‌طور کلی اعتماد اجتماعی تأثیر منفی و معکوس معناداری می‌گذارد؛
۹. برخورد جدی با منشأ شایعه‌سازی‌های کاذب در مورد مفاسد اقتصادی؛
۱۰. ترویج فرهنگ همیاری، مشارکت عمومی و ترجیح منافع ملی بر منافع شخصی به جای شیوع فرهنگ فردگرایی، اصالت سود و منفعت‌طلبی شخصی.

منابع

- احمدی، سید علی اکبر، غلامحسین همایونی و حمیدرضا عسگری ده‌آبادی (۱۳۹۴) *فساد اداری و مالی در سازمان‌های امروزی*، تهران: فوژان.
- افشانی، سید علیرضا، عباس عسگری ندوشن، سمیه فاضل نجف‌آبادی و محمد حیدری (۱۳۸۸) «اعتماد اجتماعی در شهر یزد: تحلیلی از سطوح و عوامل»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، شماره ۴: ۵۷-۷۸.

۱. به‌حالتی گویند که بین منافع شخصی و خصوصی با منافع عمومی و حرفه‌ای یک شخص تضاد ایجاد می‌شود. تعارض منافع زمانی وجود دارد که کارکنان می‌توانند از موقعیت خود سوءاستفاده کنند و فساد زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان از موقعیت خود سوءاستفاده کرده باشند. پس وجود تعارض منافع همیشه به فساد منجر نمی‌شود، اما وقوع هر فسادی در بستر یک تعارض منافع رخ می‌دهد.

امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰) «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، مجله نمایه پژوهش، دوره پنجم، شماره ۱۸: ۹-۴۲.

پاتنام، رابرت (۱۳۸۰) دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: غدیر. توکلی، احمد (۱۳۹۵) «اپوزیسیونی به نام فساد»، مجله مهرنامه، سال هفتم، شماره ۵۰: ۱۲۲-۱۳۲. خسروآبادی، طاهره و بهمن بنی‌مهد (۱۳۹۴) «پیش‌بینی بی‌اخلاقی و فساد مالی با توجه به اعتماد اجتماعی در حرفه حسابرسی»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، دوره دهم، شماره ۴: ۴۵-۵۴.

چلبی، مسعود (۱۳۸۴) جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی. دادخدایی، لیلا (۱۳۹۰) فساد مالی-اداری و سیاست جنایی مقابله با آن، تهران: میزان. دوگراف، خیالت، پیتر واخنار و پتریک فون مارافیک (۱۳۹۴) چشم‌اندازهای نظری فساد، ترجمه هانیه هژیرالساداتی، داوود حسینی هاشم‌زاده، خلیل یاری و محمد فاضلی، تهران: آگاه.

ذاکری هامانه، راضیه (۱۳۹۰) بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی: شهر یزد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد. رز اکرم، سوزان (۱۳۸۵) فساد و دولت، علت‌ها، پیامدها و اصلاح، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: پردیس دانش.

روئستاین، بو (۱۳۹۳) دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد، ترجمه لادن رهبری، محمود شارع‌پور محمد فاضلی و سجاد فتاحی، تهران: آگاه.

زارع شاه‌آبادی، اکبر و محمد نوریان نجف (۱۳۹۱) «بررسی رابطه اعتماد اجتماعی با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، دو فصلنامه جامعه‌شناسی/اقتصاد و توسعه، سال اول، شماره ۱: ۴۷-۶۹.

شارع‌پور، محمود، محمد فاضلی و الهه اقراریان (۱۳۹۱) «مطالعه بین‌کشوری اعتماد: جامعه‌محوری در مقابل نهاد محوری»، مجله جامعه‌شناسی ایران، سال سیزدهم، شماره ۴: ۶۰-۸۹.

فاضلی، محمد و محدثه جلیلی (۱۳۹۷) «بررسی بین‌کشوری رابطه کیفیت حکومت، میزان فساد و سطح اعتماد نهادی و اجتماعی»، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، سال بیست و نهم، شماره ۲ (پیاپی ۷۰): ۱۹۱-۲۱۰.

موسوی، میرطاهر (۱۳۸۵) «مشارکت اجتماعی یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی»، رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳: ۶۷-۹۲.

- منصوریان، محمد کریم و حسین قدرتی (۱۳۸۸) «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه محور؟»، *مجله جامعه‌شناسی کاربردی*، دوره بیستم، شماره ۲: ۱۸۹-۲۱۵.
- نرگسیان، عباس، قاسمعلی جمالی، مسعود هراتی و حسین آذری (۱۳۹۷) «بررسی ارتباط فساد و اعتماد در رابطه بین شفافیت و رضایت شهروندان»، *فصلنامه مدیریت دولتی*، دوره دهم، شماره ۲: ۲۸۹-۳۱۰.
- هومن، حیدری‌علی (۱۳۹۰) *مدل‌یابی معادلات ساختاری*، تهران، سمت.
- Anderson, C. J. & Yuliya, V. T. (2003) "Corruption, Political Allegiances and Attitudes Toward Government in Contemporary Democracies." *American Journal of Political Science*, 47 (1): 91-109.
- Bronskov, C. (2003) "Corruption and Social Capital." Available at: <https://pure.au.dk/ws/files/32303928/000313139>
- Chang, E. C. C. & Chu, Y. (2006) "Corruption and Trust: Exceptionalism in Asian Democracies?" *Journal of Politics*, 68: 259-271.
- Ferlander, Sara (2007) "The Importance of Different Forms of Social Capital for Health", *Acta Sociologica*, 50:115-128.
- Fukuyama, Francis (2001) "Social Capital, Civil Society and Development, *Third World Quarterly*, 22 (1): 7-20.
- Gebhardt, Jürgen (2003) "Ursprünge und Elemente des „Korruptionsdiskurses“ im westlichen Ordnungsdenken. In: Kurer, Oskar (ed.): *Korruption und Governance aus interdisziplinärer Sicht*. Neustadt a.d. Aisch: Verlag Degener & Co pp. 15-40.
- Grajzl, Valentina Dimitrova, Grajzl, Peter, Guse, A. Joseph (2012) "Trust, Perceptions of Corruption, and Demand for Regulation: Evidence from post-socialist Countries" *Journal of Socio-Economics*, 41 (3): 292-303.
- Greetz, Clifford (2000) *Available Light* Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Heidenheimer; Arnold Johnston, Michael (eds.) (2005) *Political Corruption. Concepts & Contexts*, 3rd Edition, New Brunswick, N.J.: Transaction Publishers.
- Hoetjes, B. J. S. (2002) *Corruptie in het openbare leven van ontwikkelingslanden: een verkenning van theorie en onderzoek, in het bijzonder gericht op India sinds 1947*, Leiden: Dissertation.
- Kubbe, I. (2013) "Corruption and Trust: A Model Design" *Korruption und Vertrauen—Ein Modellentwurf. Zeitschrift für Vergleichende Politikwissenschaft*, 7 (1): 117-135.
- Krishna, A. & Uphoff, N. (1999) "Mapping and Measuring Social Capital: A Conceptual and Empirical Study of Collective Action for Conserving and

- Developing Watersheds in Rajasthan, India”, *Social Capital Initiative Working Paper 13*, World Bank, Washington DC.
- LaFree, G. & Morris, N. (2004) “Corruption as a Global Social Problem”. in G. Ritzer (ed) *Handbook of Social Problems: A Comparative International Perspective*, pp. 600-618. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Morris, S. & Klesner, J. (2010) “Corruption and Trust: Theoretical Considerations and Evidence from Mexico.” *Comparative Political Studies*, 43 (10): 1258–1285.
- Nunkoo, Robin, Alector Ribeiro, Manuel, Sunnassee, Vivek & Gursoy, Dogan (2018) “Public Trust in Mega Event Planning Institutions: The Role of Knowledge, Transparency and Corruption”, *The Journal of Tourism Management*, 66: 155-166.
- Olle, Albert Sole, Navarro, Pllarsorribas (2017) “Trustnomore? On the Lasting Effects of Corruption Scandals” *Journal of Political Economy*, 55: 185-203.
- Paxton, Pamela (2007) “Association Memberships and Generalized Trust: A Multilevel Model across 31 Countries”, *Social Forces*, 86 (1) 47-76.
- Porta, D. (2000) “Social Capital, Beliefs in Government and Political Corruption.” In S. J. Pharr, & R. D. Putnam (Eds.), *Disaffected Democracies: What’s Troubling the Trilateral Countries?* Princeton: Princeton University Press: 202-227.
- Richey, S. (2010) “The Impact of Corruption on Social Trust.” *American Politics Research*, 38 (4): 676-690.
- Rose-Ackerman, S. (2010), *International Handbook on the Economics of Corruption*, Cheltenham UK & Northampton, MA USA: Edward Elgar.
- Rothstein, B. (2005) *Social Traps and the Problem of Trust*. Cambridge University Press.
- Rothstein, B. & Stolle, D. (2008) “The State and Social Capital: An Institutional Theory of Generalized Trust.” Accepted for Publication in *Comparative Politics*, in: <http://qog.pol.gu.se>.
- Rothstein, B. (2012) “Understanding the Quality of Government in China: The Cadre Administration Hypothesis.” *QoG Working paper Series*, 17.
- Sampford, Ch. (2007) “Measuring Corruption: Exploring the Iceberg”, in Charles Sampford, Carmel Connors & Arthur Shacklock (Eds.), *Measuring Corruption*, USA: Ashgate Publishing.
- Shams, H. (2007) The Fight against Extraterritorial Corruption and Use of Money Laundering Control, *Law and Business Journal*, 11 (1), 47–66
- Theobald, R. (1990) “What is Corruption?”, in *Corruption, Development and Underdevelopment*, London: Palgrave Macmillan: 1-18.
- Treisman, D. (2007) “What Have We Learned about the Causes of Corruption from Ten Years of Cross—National Empirical Research?”, *Annual Review of Political Science*, 10: 211-244.